نود شبی ناکام...!

■ **تلویزیون قصد داشت با ساخت سریال «پلاک۱۳» پس از سال‌ها قالب کمدی‌های ۹۰ شبی را احیا کند، ولی به نظر می‌رسد حاصل کار از کیفیت لازم برای جذب مخاطب برخوردار نشده است.**

گروه فرهنگ و هنر– پس از متداول شدن ساخت سریال‌های مناسبتی تلویزیونی در چند دهه اخیر که در قالب ۳۰ یا ۱۳ قسمت تلویزیونی پخش می‌شد، این برنامه‌ها علاقه‌مندان فراوانی را پای تلویزیون می‌نشاند و این استقبال نقطه آغاز تولید برنامه‌های ۹۰ قسمتی بود که از موفقیت‌آمیز بودن این سریال‌های مناسبتی شکل گرفت و سپس در قالب طنزهای شبانه ادامه یافت.

۹۰ شبی‌ها در زمان خودشان خاطرات شیرینی را رقم زدند. بازپخش چندین و چندباره سریال‌هایی چون زیر آسمان شهر، پاورچین، نقطه‌چین، بدون شرح، ساختمان پزشکان نشان می‌دهد که این سریال‌ها در هنگام تکرار هم جذاب هستند.

عوامل زیادی دست به دست هم دادند تا نودشبی‌های سابق بامزه و دلنشین از آب دربیایند. این سریال‌ها از عواملی حرفه‌ای بهره می‌بردند که صاحب فکر و اندیشه بودند و از بستر سریال برای بیان حرف‌های جدی‌شان بهره می‌بردند. سریال‌ها همچنین حمایت مدیرانی دلسوز و دغدغه‌مند را پشت سر خودشان احساس می‌کردند.

تلویزیون اخیرا ۹۰ قسمتی جدید خود پلاک۱۳ را رو کرد تا روند نودشبی ادامه یافته باشد. اما این مجموعه ساخته آرش معیریان فقط عنوان نودشبی را یدک می‌کشد. انگار هدف فقط احیای یک قالب بوده؛ بدون آنکه مقدمات لازم برای یک اقدام بزرگ مورد توجه قرار گیرد.

نکته جالب این است که سریال‌های جدی و کمدی تلویزیون چراغ خاموش می‌آیند و می‌روند؛ بدون آنکه صدای موافق و مخالفی شنیده شود. واکنش منتقدان و مخاطبان عام به این آثار بیش از آن که موافقت یا مخالفت باشد، بی‌توجهی و نادیده گرفتن است. ظاهرا همه این قدر سرگرم فضای مجازی و شبکه نمایش خانگی و سریال‌های خارجی هستند که فرصت نمی‌کنند به سریال‌های تلویزیون خودمان بپردازند.

پلاک۱۳ داستان مشخصی ندارد و در هر قسمت به یک موضوع می‌پردازد. در این سریال با آدم‌های خنگ و کندذهنی طرف هستیم که هر چیزی را باور می‌کنند. پدر خانواده (حسین رفیعی) می‌گوید من در یک حادثه تصادف جان فردی را نجات داده‌ام. اعضای خانواده بدون آن‌که سوالی بپرسند از او یک قهرمان می‌سازند و برایش دست می‌زنند و آواز می‌خوانند. آنها به مشتری خانه می‌گویند خانه روی گسل واقع شده است. او هم باور می‌کند و از خرید خانه منصرف می‌شود. یک کارگردان می‌خواهد با کمک اعضای این خانه فیلم سینمایی بسازد. در حالی که آنها هیچ کدام استعداد بازیگری ندارند. هیچ‌کسی هم نمی‌پرسد چرا آقای کارگردان این آدم‌های بی‌استعداد را برای فیلمش انتخاب کرده است.

مردی میانسال که به اصرار همسرش سراغ تزریق ژل به لب می‌رود و فکر می‌کند با این کار صاحب چهره زیبایی می‌شود و ...، وقتی آدم‌های فیلمنامه این قدر ساده‌لوح هستند نباید انتظار داشته باشیم موضوع جدی و مهمی در سریال مطرح شود. تعدادی آدم ساده کارهای کودکانه می‌کنند و به همدیگر می‌خندند. اما موضوع یا اتفاقی که بخواهند لبخند بر لبان تماشاگر بیاورد وجود ندارد.

سریال اگر چه برای مخاطبان بزرگسال ساخته شده، اما منطقش به شدت کودکانه و انیمیشنی است. ما باید بپذیریم که وقتی یک توپ به سر مادر خانواده می‌خورد، او دچار فراموشی می‌شود.

آنچه سریال‌های کمدی قدیمی را دوست‌داشتنی می‌کرد، صمیمیتی بود که در روابط بین شخصیت‌ها جریان داشت. در سریال زیر آسمان شهر اگرچه اختلاف و کشمکش وجود داشت، ولی بهروز پیرپکاجکی و غلام و خشایار و خانم فرامرزی در موعد شب‌نشینی‌های داخل حیاط اختلاف‌ها را کنار می‌گذاشتند و می‌گفتند و می‌خندیدند.

در سریال پلاک۱۳ گرمای محبت جایش را به جنگ و دعوا و دلخوری داده است. مادر خانواده یک آدم غرغروست که همه از او می‌ترسند. وقتی مادر دچار فراموشی می‌شود، اعضای خانواده در نهایت خوشحالی تصمیم می‌گیرند از او سوء استفاده کنند. متاسفانه روابط آدم‌های این خانه بر اساس حساب و کتاب‌های مادی و اقتصادی شکل می‌گیرد. مهم‌ترین دغدغه آنها این است که مادر رمز عابربانکش را فراموش کرده و ممکن است پول‌هایش از دست برود. همچنین در سکانسی دیگر می‌بینیم پدر، پسرش را به ازدواج با رعنا تشویق می‌کند. چون رعنا بازیگر سینماست و دستمزدهای خوبی می‌گیرد.

پلاک۱۳ برای خنداندن مخاطبش به آب و آتش می‌زند؛ ولی از آنجا که شخصیت بامزه‌ای ندارد و از ساختن موقعیت‌های کمدی عاجز است، تلاشش به نتیجه نمی‌رسد. پایان‌بخش هر قسمت از سریال‌ها صحبت‌های راوی کودک داستان است که به نظر می رسد با این کار می‌خواهند با چند پند و اندرز شعاری نواقص اخلاقی اثر را جبران کند.

سریال تلویزیونی پلاک ۱۳ به تهیه‌کنندگی سلیم ثنایی با حضور بازیگرانی همچون علی صادقی، شهره سلطانی، امیرحسین صدیق، اردلان شجاع‌کاوه، نگار عابدی، حسین رفیعی، محمود جعفری، مهران ضیغمی، سامان دارابی، فرزانه سهیلی، ستاره حسینی و ... تهیه و تولید شده و از شبکه سه سیما پخش می‌شود.

ساخت یک سمفونی بی‌کلام برای موضوعی چون «کرونا»، می‌تواند نمادین باشد؛ زیرا موسیقی، هنری با این قابلیت است که به صورت خیلی آبستره و تجریدی به کمک تمام مسائل بیاید ولی در عین حال نکته خاصی را هم بیان نکند.

درگیری با چالش‌های طبقه محروم در «تماس» نوروزی

گروه فرهنگ و هنر– مسابقه تلویزیونی «تماس» با سوژه‌ی برای آنتن نوروزی آماده می‌شود، شرکت کنندگان از میان افرادی که توانایی حضور در جلوی دوربین را دارند برای یک ماموریت اجتماعی انتخاب می‌شوند به شکلی که شرکت کننده از طبقه اجتماعی متوسط و رو به بالا در معرض چالش‌های طبقه محروم قرار می‌گیرد. شرکت‌کنندگان مسابقه تماس با فراخوان عمومی و مصاحبه حضوری از طبقه متوسط جامعه انتخاب شده‌اند و با تماس‌های تلفنی هدایتگر مسابقه، با چالش‌ها و ماموریت‌های ویژه‌ای روبرو می‌شوند.

حسن آخوندپور تهیه کننده مسابقه تماس گفت: شرکت کنندگان از میان افرادی که توانایی حضور در جلوی دوربین را دارند انتخاب می‌شوند و با توجه به شرایط زندگی، امیدها و آرزوها، بضاعت و فرصت هایی که در زندگی داشته اند موضوعی برای آن ها طراحی و یک ماموریت اجتماعی داده می شود. این ماموریت اجتماعی به شکلی است که شرکت کننده از طبقه اجتماعی متوسط و رو به بالا با چالش های طبقه محروم قرار می گیرد. وی ادامه داد: به عنوان مثال یکی از افراد شرکت کننده در چالش تهیه لباس عروس برای یک دختر پاکستانی که در حاشیه شهر تهران زندگی می کند مواجه می شود و باید در مدت زمان ۴۸ ساعته این لباس را بدون استفاده از امکانات شخصی خود تهیه کند.

آخوندپور با اشاره به این که تماس از حضور یک بازیگر به عنوان هدایتگر و گرداننده مسابقه بهره برده است، افزود: شرکت کننده مسابقه باید در این مدت ۴۸ ساعته بر اساس راهنمایی و مشاوره هدایتگر برنامه، کار را به نتیجه برساند و تلاش خود را برای به دست آوردن هزینه مورد نیاز در تعامل با سایر بازیگران برنامه، به ثمر رساند. تهیه کننده مسابقه –مستند تماس خاطرنشان کرد: این برنامه، از قالبی بدیع و نو برخوردار است که تاکنون مشابه آن در تلویزیون نداشتیم البته در دنیا، مسابقه‌ای با این ساختار وجود دارد اما بیشتر بر مبنای رقابت و کسب جایزه است اما در این مسابقه علاوه بر رقابت، مسائل شهری، فرهنگی و اجتماعی هم مورد توجه قرار گرفته است. آخوندپور اظهار داشت: در تماس از افراد شرکت کننده، سئوالاتی در مورد امیدها، چالش ها، ضعف ها، ترس و باورهایشان پرسیده و بر اساس آن، سناریویی ترتیب داده می شود و هدایت کننده برنامه به نوعی از خصوصیات این فرد اطلاع دارد و براساس آن برنامه را به پیش می برد.

تهیه کننده برنامه همچنین از وجود سختی ها و چالش های پیش رو در این مسابقه گفت و خاطرنشان کرد: گاهی اوقات ممکن است شرکت کننده از پس این چالش ها برنیاید و مجبور شود دست به عملی زند و مسیر را عوض کند تا بتواند کار را به نتیجه برساند. آخوندپور تصریح کرد: در این مسابقه با یک سری موقعیت ها مواجه می شویم و این فضا همراه با دوربین مخفی، یک فضای مستندگونه را رقم می زند. سکانس هایی داریم که دوربین دیده نمی شود و شرکت کننده نمی داند افرادی که درکنارش هستند از بازیگران برنامه هستند یا مردم که برای رسیدن به نتیجه وی را یاری و مساعدت می کنند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: ما یک سری سوژه هایی با محتوای اجتماعی به صورت پیش فرض داریم که بیش تر معطوف به مشکلات طبقه محروم جامعه است و بر اساس آن شرکت کننده ها را انتخاب می کنیم و سناریو می نویسیم.

تهیه کننده مسابقه تماس ادامه داد: این مسابقه منوط به اتفاقات پیش بینی نشده و صحنه است و بعضی اوقات این اتفاقات و ویژگی های شخصیتی شرکت کننده و موقعیت رقابتی، مسیر برنامه را تغییر می دهد.

وی گفت: این مسابقه از یک ایده شروع می شود اما پایانش نه برای شرکت کننده و نه برای کارگردان مشخص نیست. در واقع ما یک قصه داریم اما در دل واقعیت، وقایع پیش می رود و تا سکانس های پایانی مشخص نیست که قصه به کجا ختم می شود و با چه مسائلی روبه رو خواهیم شد.

چالش اصلی برای شرکت کننده است و به کمک یک یا چند نفر، خواسته ای را که از وی در مسابقه خواسته شده است با تمام سختی ها و چالش ها به سرانجام می رساند.

آخوندپور در پایان با ابراز امیدواری از این که تماس بتواند مورد رضایت بینندگان شبکه افق واقع شود، تصریح کرد: شرکت کنندگان می توانند علاوه بر تقویت توانایی های خود و واقف شدن بر ضعف های احتمالی خود، از چالش های اقشار مختلف جامعه آگاه شوند و موقعیت های خاص را تجربه کنند و ان شاء الله به درک و مساعدت بیش تر هموطنان نسبت به یکدیگر منجر خواهد شد.

مسابقه تماس یک مسابقه ۶۶ قسمتی است که نوروز ۱۴۰۱ به روی آنتن شبکه افق خواهد رفت.

دیدار صمیمانه ناظری و پورناظری در روزهای تنهایی موسیقی ایران

گروه فرهنگ و هنر– یکی از تهیه‌کنندگان موسیقی از دیدار دوباره شهرام ناظری خواننده پیشگام موسیقی ایرانی و کیخسرو پورناظری آهنگساز و نوازنده جریان ساز موسیقی کشورمان پس از سال‌ها خبر داد.

محمدحسین توتونچیان تهیه‌کننده موسیقی با اعلام خبر دیدار دوباره دو هنرمند پیشگام موسیقی کشورمان پس از سال‌ها توضیح داد: پس از سال‌ها، دیدار استاد شهرام ناظری با استاد کیخسرو پورناظری، تهمورس و سهراب پورناظری اتفاق مبارکی بود که نظیر آن را در جامعه موسیقی ایرانی کمتر شاهد بوده‌ایم.

وی افزود: کیخسرو پورناظری و شهرام ناظری با آثار مشترکی چون «مطرب مهتاب رو»، «حیرانی»، «صدای سخن عشق» یکی از دوره‌های درخشان موسیقی ایران را رقم زده‌اند. اما سال‌هاست که حضور این دو هنرمند نامدار در فضای موسیقی در کنار هم به چشم نمی‌خورد.

این تهیه‌کننده آثار موسیقایی بیان کرد: از سال‌های پیش شیفته آثار مشترک این بزرگان بودم و در پی همکاری با استاد شهرام ناظری و همچنین کنسرت‌های گروه شمس و استاد کیخسرو پورناظری و از سوی دیگر کنسرت‌های «چرا رفتی» و «ایران من» کاری مشترک از همایون شجریان، تهمورس و سهراب پورناظری و در ایران و جهان، همیشه این فکر را در من ایجاد کرده بود که مخاطبان موسیقی ایرانی سال‌هاست که تشنه پیوند دوباره این اساتید هستند. شرایط کرونایی این مهم را به تاخیر انداخت تا سرانجام، این مهم، در هوای بارانی تهران به انجام رسید.

توتونچیان ادامه داد: این دیدار پس از رونمایی آلبوم «از دوار چرخ» اثر کیخسرو پورناظری در آبان ۹۷ اولین دیدار این خاندان موسیقیدان محسوب می‌شود. به هر حال مرور خاطرات سالیان دور از سوی این اساتید و همچنین گفتگوهای پرشوری که در دیدارشان با هم در جریان بود، حکایت از عشقی عمیق بین این بزرگان داشت. در هر حال به اعتقاد من، این دیدار، یقیناً باعث شادی خاطر دوستداران و حامیان موسیقی اصیل این خاک و مرز و بوم، خواهد بود.

روایت جوانی که ۲۱ سال خودش را مخفی کرد!

گروه فرهنگ و هنر– فیلم سینمایی «من یوسفم مادر» به کارگردانی محمدرضا فرطوسی از ۲۹ دی‌ماه در سینماهای «هنر و تجربه» اکران می‌شود. همزمان با آخرین روزهای اولین ماه زمستان ۱۴۰۰، فیلم سینمایی «من یوسفم مادر» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا فرطوسی و تهیه کنندگی رزاق موسی‌پور و محمدرضا فرطوسی در سینماهای «هنر و تجربه» روی پرده می‌رود.

جدیدترین ساخته محمدرضا فرطوسی که از شاگردان زنده یاد عباس کیارستمی است، از روز چهارشنبه ۲۹ دی ماه میزبان مخاطبان خود خواهد بود. زهره الربیعی، عباس غزالی، حمیده موسوی، احمد حیدری و حمید حمیدی از جمله بازیگران «من یوسفم مادر» هستند. طبق اعلام سازندگان، کسب جوایزی از جمله جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم خاورمیانه و شمال آفریقا در هلند، جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم خاورمیانه و شمال آفریقا در هلند، جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم‌های مستقل برازیلیا و جایزه نخل نقره ای از جشنواره بین‌المللی فیلم مکزیموسیتی از جمله افتخارات این فیلم سینمایی است که تاکنون در جشنواره‌های خارجی مختلفی حضور داشته است.

در خلاصه داستان «من یوسفم مادر» آمده است: تصور کن که مجبور به شرکت در جنگی بشوی که به آن ایمان نداشته باشی. این داستان واقعی یوسف جوان بغدادی است که برای اینکه در جنگ صدام علیه ایران شرکت نکند مجبور می‌شود خودش را ۲۱ سال مخفی کند. فیلم روایت سه روز آخر این بیست و یک سال سخت و طاقت فرسا است برای یوسف و مادرش، هنگامی که مجسمه صدام در بغداد سقوط می کند. عوامل این فیلم سینمایی عبارتند از نویسنده و کارگردان: محمدرضا فرطوسی، نویسنده دیالوگ‌های عربی: احمد حیدری، مدیر فیلمبرداری: رضا عبیات، تدوینگر: فرید دغاغله، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: پیام پارسافر، صداگذار: حسن شبانکاره، صدابردار: علی علوی، موسیقی: امین بهروز زاده، طراح صحنه: سمیه پناهی، دستیار صحنه: محسن خندستان، گریم: حسنا خان محمدی، دستیاران گریم: زهره احمدی و هادی لطفی، دستیاران فیلمبردار: مجید خمیس آبادی و سهیلا منصوریان، دستیار تدوین: سمیرا کاملی، ناظر پروژه: ارکان موسوی، تهیه کننده اجرایی: میثم نورانی، مدیر تولید: نصیر نبهانیان، مدیر تدارکات: حسین فرطوسی، تصحیح رنگ و نور: سهراب نوربخش، مشاور عربی: مصطفی الشوکی، گرافیست: طاهاذاکر، عکاس: جاوید تفضلی، فیلمبردار پشت صحنه: مهدی قنواتی، مشاور رسانه‌ای: منصور جهانی، جانشین تهیه کننده: محمود عابدینی و تهیه‌کنندگان: رزاق موسی‌پور و محمدرضا فرطوسی.

تولید سریالی با همکاری کارگاه فیلمسازی مسعود کیمیایی

گروه فرهنگ و هنر– فیلمبرداری سریال ۱۰ قسمتی «سی‌زیف و مرگ» به کارگردانی مرتضی فرهادنیا به پایان رسید و این سریال در حال انجام مراحل فنی است.

فیلمبرداری سریال اپیزودیک سی‌زیف و مرگ به کارگردانی مرتضی فرهادنیا که حدود ۲ ماه در خیابان کمیل تهران به طول انجامید، به پایان رسید.

این سریال که قرار است از یکی از شبکه‌های سیما روی آنتن رود، با همکاری مدرسه کارگاه آزاد فیلم مسعود کیمیایی تولید می‌شود، در حال حاضر در حال تدوین و انجام مراحل فنی است. سی‌زیف و مرگ برگرفته از نمایش‌نامه روبر مرل به همین نام، زندگی مردی را روایت می‌کند که صاحب کافه تئاتری است که به خاطر براورده کردن آرزوی همسر فوت شده‌اش برای داشتن چنین کافه‌ای، مشغول به کار است. صاحب کافه فکر می‌کند سی‌زیف است و در تصورات و تخیلاتش، هر یک از مشتریانش را به شکل اساطیر باستانی همچون آرس، زئوس، آتنا، آفرودیت و ... می‌بیند.

در هر یک از قسمت‌های این سریال به روایت‌های داستانی مستقل به یکی از نمایش‌نامه‌های یونان بوستان مانند ادیپ شهریار، مده آ، آنتیگونه و قورباغه‌ها و... اشاره می‌شود.

میثم آقایی، مهدی خرمی، پریسا مشرقی نیا، سعید ایوبی، مسعود آذرخش، محمدرضا مقدم، سانا علیخانی، کیارش اردلان، ماریا حق وردیان، نیلوفر مقیمی، شیده مستوفی، آسیه قاسمی، کیمیا پژمان نژاد، الهام حسنی، بهار شهبا، آتنا ابراهیمی، ستایش رضایی، غزاله سعیدی، فاطمه یاری، فرشته رشوند آوئی، محمد جبرائیلی، پیام طیبی، روزبه رحیمی، سید علی میری، شبنم اندوری، امیر حسین برفرازی، امیر مهدی تقوی، محمدرضا رجبی، مولود جهان پناه، محمدرضا چهره نما، آریا کربلایی و مهدیه فراهانی، بازیگران این سریال هستند. از جمله عوامل این مجموعه می توان به مشاور پروژه: مریم عباس زاده، سرپرست نویسندگان: حماسه عماد، گروه نویسندگان: نیلوفر مقیمی، آتنا ابراهیمی، امیر مهدی تقوی، بهار شهبا، کیمیا پژمان نژاد، محمدرضا چهره نما، شبنم اندوری، میثم آقایی، پریسا مشرقی نیا، پیام طیبی و مژگان باقرفراش، فیلمبردار: محمدعین الهی، دستیار تصویر: پیام طیبی، صدابردار: مرتضی علیزاده، دستیار صدا: سیدعلی میری، طراح صحنه و لباس: مژگان باقرفراش و شبنم اندوری، تدوین: مهدی نیازی، دستیاران کارگردان: سارا رشید، محمد رضا چهره نما گریم: کیمیا پژمان نژاد و حسین گرجی فر، موسیقی: محمد عبدالهی، تدارکات: فرهاد اسماعیلی و داریوش پیمانی، مدیر تولید: صادق پژمان نژاد، مدیر روابط عمومی: آزاده فضلی، مجری طرح: گوسان فیلم اشاره کرد.

چرا برخی هنرمندان رغبتی به حضور در جشنواره تئاتر فجر ندارند؟

گروه فرهنگ و هنر– حسین کیانی جزو نسلی است که در نیمه دوم دهه هفتاد به بدنه تئاتر پیوستند، جوانانی با انگیزه و پرشور که در دل جشنواره تئاتر فجر و به واسطه حضور در این رویداد هنری شناخته شدند. بعضی از آنان جایزه‌بگیر بودند و برخی نه ولی مهم این بود که هم تماشاگر برای دیدن آثار آنان در جشنواره هیجان داشت و هم خودشان شوق حضور در این رویداد را داشتند اما حالا خیلی سال است که جشنواره تئاتر فجر دیگر آن جذابیت را برای این نسل ندارد و به خوبی نتوانسته از سرمایه‌هایی که خود معرفی کرده، بهره‌برداری کند.

فراموش نکنیم منظور این نیست که این چهره‌ها حتما به عنوان شرکت‌کننده در جشنواره حضور داشته باشند بلکه جشنواره تئاتر فجر می‌تواند در گروه‌های انتخاب، داوری و شورای سیاست‌گذاری خود از وجود آنان بهره‌مند شود. هرچند این اتفاق گاه گاهی رخ داده ولی ظاهرا برنامه‌ریزی مدونی برای آن نداریم.

حالا حسین کیانی به عنوان یکی از هنرمندان این نسل معتقد است که جشنواره تئاتر فجر دچار حساسیت‌های بی‌دلیل شده و از مفهوم واقعی خود دور شده است.

این نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر بزرگترین مشکل جشنواره را نبود یک سیاست‌گذاری مشخص می‌داند و می‌گوید: جشنواره تئاتر فجر بعد از چهل دوره هنوز یک چشم‌انداز تثبیت‌شده ندارد و این مشکل جشنواره‌های گوناگون ما و بویژه جشنواره فجر است. این جشنواره با موضوع آزاد برگزار می‌شود ولی ساختار اجرایی معینی ندارد.

او در پاسخ به این پرسش که چرا هنرمندانی مانند او تمایلی به همکاری با جشنواره و حضور در هیات انتخاب و داوری آن را ندارند، توضیح می‌دهد: یک دوره عضو هیات انتخاب بودم. البته آن دوره، بازبینی به معنای ارزیابی کیفی آثار بود و نه از دیدگاه ممیزی. برای ما مهم بود که حتما کارهای باکیفیت به جشنواره راه پیدا کنند و حقی ضایع نشود. هرچند در هر حال سلیقه هم وجود دارد. ولی در دوره‌های اخیر وجه نظارتی بازبینی افزایش پیدا کرده است و شاید به همین دلیل هنرمندانی که دوره‌هایی در جشنواره خوش درخشیده‌اند، دیگر رغبتی برای حضور در این رویداد ندارند. ضمن اینکه انتخاب آثار هم تابع یک سیاست مشخص نیست و به نظر می‌رسد بیشتر سلیقه‌ها حکمفرمایی می‌کند.

او ادامه می‌دهد: به جز این به نظر می‌رسد که حساسیت‌هایی پیرامون جشنواره ایجاد شده است در حالیکه این رویداد هنری در گذشته از آزادی و گشادگی بیشتری برخوردار بود. به طوری که آثار شرکت‌کننده در آن، شاید در اجرای عمومی با محدودیت بیشتری همراه می‌شدند ولی الان حساسیت‌ها نسبت به جشنواره تئاتر فجر بیشتر شده و همین سبب شده تعدادی از هنرمندان از همکاری با آن بپرهیزند چراکه هنر در تنگنا رشد نمی‌کند. او ابراز تاسف می‌کند: چند سالی است که دیگر نگاه‌مان به جشنواره تئاتر فجر، یک نگاه هنری و به عنوان دستاورد تئاتر نیست بلکه جشنواره بیشتر ویترینی است و فعالیتی برای رفع تکلیف.

کیانی با اشاره به دوره‌های پررونق جشنواره تئاتر فجر و استعدادهایی که در دل این جشنواره معرفی شدند، یادآوری می‌کند: آن نگاه که سبب معرفی چهره‌های جدید در جشنواره شد، دیگر وجود ندارد در حالیکه همین جشنواره در معرفی چهره‌های مستعدی که نیمه دوم دهه هفتاد و نیمه اول دهه هشتاد به بدنه تئاتر پیوستند، بسیار موثر بود. در آن مقطع تعریف جشنواره، محل ارایه آخرین دستاوردها و تجربیات هنرمندان تئاتر بود آن هم بدون ممیزی‌های ناروا. اما حالا جشنواره فجر صرفا برگزاری یک شبه جشن است با مضامین کنترل‌شده و جشنواره فعلی دیگر آن هیجانی را که برای تماشاگر داشت، از دست داده است و حتی خود هنرمندان هم آن هیجان را ندارند چراکه با هزار چارچوب و تنگنا رو به رو هستند. به همین دلیل دیگر شوقی برای حضور در این رویداد ندارند.

این مدرس تئاتر ادامه می‌دهد: این بی‌رغبتی هم حاصل آن نگاه‌های سختگیرانه بی‌دلیل است و هم به دلیل خارج شدن جشنواره از مفهوم قبلی خود در حالیکه جشنواره فجر، پیش‌تر همچون یک سوغاتی بود ولی حساسیت‌ها، سختگیری‌ها و بی‌اعتمادی‌ها سبب شد به سمت و سویی برود که صرفا به عنوان یک رفع تکلیف برگزار شود و دیگر آن بازتابی را که در جامعه هنری داشت، ندارد.

کیانی با اشاره به اسامی هیات انتخاب جشنواره تئاتر فجر خاطرنشان می‌کند: اعضای هیات انتخاب همه دوستان ما هستند و صاحب تجربه‌های گرانقدر ولی آنان نمی‌توانند مشکلات جشنواره را حل کنند زیرا مشکلاتی ریشه‌ای است که باید در سیاست‌های کلی جشنواره پیگیری شود.

او درباره تغییرات پیاپی جشنواره و اینکه گفته می‌شود تغییر جزو ذات تئاتر است، توضیح می‌دهد: تغییر برای بهبودی است نه تخریب. امسال چهلمین دوره جشنواره برگزار می‌شود، جشنواره‌ای که چهل سال تجربه پشت آن است، این همه هنرمند، دبیر و مدیر به این جشنواره آمده‌اند و رفته‌اند اما اندوخته‌های آنان کجاست. گویی از یک دهم آن هم استفاده نمی‌شود. آیا این تجربه ۴۰ ساله با جشنواره‌ای که امسال قرار است برگزار شود، برابری می‌کند.

کیانی درباره غیررقابتی شدن جشنواره تئاتر فجر و اینکه گفته می‌شود جشنواره‌های معتبر دنیا غیر رقابتی هستند، نیز می‌گوید: کسانی که از هیجان جشنواره می‌ترسند، ترس‌شان در جایی دیگر ریشه دارد. مهم‌ترین جشنواره‌های هنری دنیا همچون کن و اسکار مگر رقابتی نیستند؟ اصلا پدر جشنواره‌های دنیا که در یونان باستان برگزار می‌شد، مگر رقابتی نبوده است؟ اتفاقا رقابت سالم سبب‌ساز رشد و توسعه و تقویت آثار می‌شود. اگر قرار است جشنواره به یک رخداد ساکن و راکد تبدیل شود، اصلا چه نیازی به برگزاری آن و چه نیازی به صرف این همه هزینه؟ به نظر می‌رسد کسانی که با رقابت مخالفند، نگران هستند که برخی کارها حساسیت ایجاد کند وگرنه رقابت سالم در دل خود حرکت ایجاد می‌کند.

شرکت آریا اطلس کیش

اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی

حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزود، حقوق و دستمزد

آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹

تلفن مرکز: ۴۴۴۶۱۱۵۱-۰۷۶

تلفن همراه: ۷۰۵۷۱۷۳-۰۹۱۲